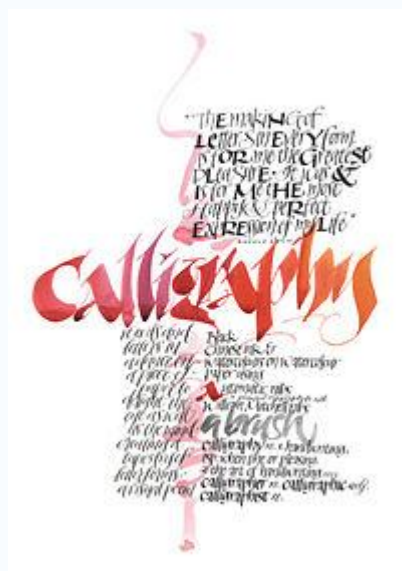


خوشنویسی به معنی زیبانویسی یا نوشتن همراه با خلق زیبایی است. گاهی درک خوشنویسی به عنوان یک هنر مشکل است. به نظر می‌رسد برای درک و لذت بردن از تجربه بصری خوشنویسی باید بدانیم خوشنویس افزون بر نگارش یک متن، سعی داشته اثری هنری با ارزش‌های زیبایی شناختی خلق کند. از این رو خوشنویسی با نگارش ساده مطالب و حتا طراحی حروف و صفحه آرایبی متفاوت است. همچنین از آنجایی که این هنر جنبه‌هایی از سنت را در دل خود دارد باید آن را تا حدی از تایپوگرافی که مبتنی بر ارزش‌های گرافیکی مدرن و کارهای چاپی است متمایز کرد. خوشنویسی تقریباً در تمام فرهنگ‌ها به چشم می‌خورد اما در مشرق زمین و به‌ویژه در سرزمین‌های اسلامی و ایران در قله هنرهای بصری واقع است. خوشنویسی اسلامی و بیش از آن خوشنویسی ایرانی تعادلی است حیرت‌انگیز میان تمامی اجزا و عناصر تشکیل دهنده آن. تعادل میان مفید و مورد مصرف بودن از یک سو و پویایی و تغییر شکل یابندگی آن از سوی دیگر؛ تعادل میان قالب و محتوا که با آراستگی و ملایمت تام و تمام می‌تواند شکل مناسب را برای معانی مختلف فراهم آورد.

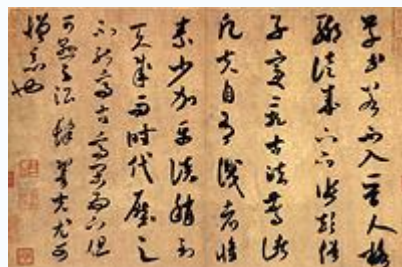
اگر در نظر داشته باشیم که خوشنویسی اسلامی و ایرانی براساس قالب‌ها و قواعد و نظام‌های بسیار مشخصی شکل می‌گیرد و هر یک از حروف قلم‌های مختلف از نظام شکلی خاص، و تا حدود زیادی غیرقابل تغییر، برخوردارند. آنگاه درمی‌یابیم که ایجاد قلم‌های تازه و یا شیوه‌های شخصی خوشنویسان بر مبنای چه ابداع و رعایت حیرت‌انگیزی پدیدار می‌شود. در خوشنویسی اندازه هر حرف و نسبت آن با سایر حروف با دقت بسیار بالایی معین شده‌است و هر حرف به صورت یک «مدول» ثابت درمی‌آید که تخطی از آن به منزله نادیده گرفتن توافقی چندصدساله است که همیشه میان خوشنویس و مخاطب برقرار بوده و با رضایت طرفین حاصل می‌آمده است. حتی ترتیب شکل کلمات نیز براساس مبانی مشخصی تعیین می‌شده که در «رسم الخط»ها و

«آداب‌المشق»ها از جانب اساتید بزرگ تنظیم و ارائه شده‌است. قرارگیری کلمات نیز- یعنی «کرسی»- هر سطر هر چند نه به صورت کاملاً پیش‌بینی و تکلیف شده - که ناممکن بوده‌است - اما به شکل «سلیقه مطلوب» زمینه زیبایی شناختی پیشنهادی خاص خود را دارا بوده‌است.

خوشنویسی در کشورهای مختلف



خوشنویسی مدرن غربی



خوشنویسی سنتی چینی

هرچند خوشنویسی در مشرق زمین اهمیت و توسعه کاملی یافته است اما اشکالی از آن را در کلیه فرهنگ‌ها می‌توان یافت. واژه خوشنویسی یا Calligraphy از قرن پانزدهم میلادی وارد دایره لغات فرهنگ‌های لاتینی شد و تنها پس از قرن نوزدهم به عنوان یک اصطلاح شناخته شده مطرح گشت، اما از دیر باز به‌ویژه در کشورهای خاور دور و کشورهای اسلامی از جمله ایران، خوشنویسی به عنوان هنری شاخص مطرح بوده است.

در اروپا اگرچه از دیرزمان دولت و کلیسا به زیانویسی توجه نشان می‌دادند (مانند کتیبه‌های رومی و یا برخی نسخه‌های خطی انجیل) خوشنویسی در اروپا یک هنر فرعی و وابسته به کتابخانه‌ها و محافل طلاب بود.

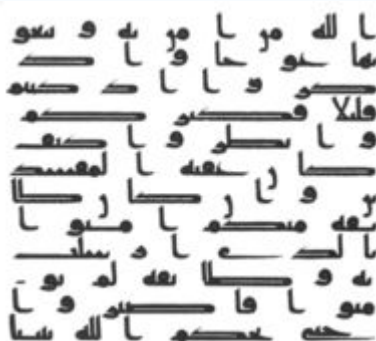
خوشنویسی چینی از کیفیت انتزاعی و تصویری خاصی برخوردار است که بیان اندیشه و احساس را ممکن می‌سازد و از این رو با نقاشی قرابت دارد.^[۳] در کشورهایمانند ژاپن و کره نیز تاحدی وضع به همین صورت بود. به طور کلی در خاور دور هنر خوشنویسی هرچند بیشتر نزد کاهنان و متولیان امور مذهبی رواج داشت اما در کنار نقاشی رشد شگرفی کرد.

پیدایش خط فارسی

قبل از اسلام خطوط مختلفی از جمله میخی و پهلوی و اوستایی در ایران متداول بوده است اما با ظهور دین اسلام نیاکان ما الفبا و خطوط اسلامی را پذیرا شدند. تاریخ شکل‌گیری خط عربی و نحوه نگارش آن چندان به پیش از اسلام بر نمی‌گردد و تقریباً همزمان با گسترش اسلام و در سال‌های اولیه فتوحات اسلامی شکل گرفت.

هرچند ایرانیان خط کنونی خود را از عرب‌ها وام گرفته‌اند، با این حال در تکامل این خط و در تبدیل آن به هنر خوشنویسی نقش عمده‌ای داشته‌اند. ایجاد نقطه و اعراب در خط عربی را به فردی بنام ابوسعید دؤلی الفارس و در قرن اول هجری نسبت داده می‌شود که بیشتر برای جلوگیری از اشتباه خواندن قرآن توسط ایرانیان انجام شد.

خوشنویسی اسلامی



نمونه‌ای از خط کوفی اولیه

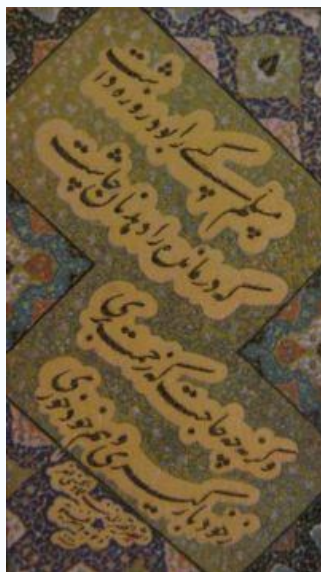
خوشنویسی همواره برای مسلمانان اهمیتی خاص داشته‌است. زیرا در اصل آن را هنر تجسم کلام وحی می‌دانسته‌اند. آنان خط زیبا را نه فقط در استنساخ قرآن بلکه در اغلب هنرها به کار می‌بردند خوشنویسی یا خطاطی در کلیه کشورهای اسلامی همواره به عنوان والاترین هنر مورد توجه بوده‌است. مردمان این سرزمین‌ها به‌ویژه ایرانیان در اوج قدرت و نهایت ظرافت در این هنر تجلی یافت و خوشنویسی به مانند محوری در میان سایر هنرهای بصری ایفای نقش کرده‌است. خوشنویسی از قرون اولیه اسلامی تا کنون در کلیه کشورهای اسلامی و مناطق تحت نفوذ مسلمانان با حساسیت و قدرت تمام در اوج جریانات هنری بوده‌است.

قدیمی‌ترین نسخه قرآن به خط کوفی است و به علی بن ابی طالب منسوب است. پس از قرن پنجم هجری، خط کوفی تقریباً جای خود را به خط نسخ داد که حروف آن برخلاف حروف زاویه‌دار خط کوفی منحنی و قوس‌دار است.

در اوایل قرن چهارم سال ۳۱۰ هجری قمری ابن مقله بیضاوی شیرازی خطوطی را بوجود آورد که به خطوط ششگانه یا اقلام سته معروف شدند که عبارتند از: محقق، ریحان، ثلث، نسخ، رقاع و توقیع. که وجه تمایز آنها اختلاف در شکل حروف و کلمات و نسبت سطح و دور در هر کدام می‌باشد. همچنین او برای این خطوط قواعدی وضع کرد که به اصول دوازده‌گانه خوشنویسی معروفند و عبارتند از: ترکیب، کرسی، نسبت، ضعف، قوت، سطح، دور، صعود مجازی، نزول مجازی، اصول، صفا و شأن.

یک قرن بعد از ابن مقله، ابن بواب برای خط نسخ قواعدی تازه ایجاد کرد و این خط را کامل نمود در قرن هفتم جمال الدین یاقوت مستعصمی به این خط جان تازه‌ای بخشید و قرآن کریم را برای چندین بار کتابت نمود.

خوشنویسی ایرانی



نمونه‌ای از خط نستعلیق به شکل چلیپا - میرعماد حسنی - ایران



برگی از قرآن به خط کوفی - ایران - قرن یازدهم - ایرانیان حتا در خطوط رایج در سایر سرزمین‌های اسلامی شیوه‌های خاص خود را پدید آوردند.

در حالی که عمده^۱ تبدیل نگارش معمولی کلمات به خوشنویسی هنرمندانه به عهده ایرانیان بوده است، رفته رفته ایرانیان سبک و شیوه‌هایی مختص به خود را در خوشنویسی ابداع کردند. هرچند این شیوه‌ها و قلم‌های ابداعی در سایر کشورهای اسلامی هم طرفدارانی دارد اما بیشتر مربوط به ایران و کشورهای تحت نفوذ آن همچون کشورهای آسیای میانه، افغانستان، پاکستان و هند می‌باشد. در این منطقه نیز خوشنویسی همواره به عنوان والاترین شکل هنرهای بصری مورد توجه بوده و دارای لطافتی خاص است.

در ایران پس از فتح اسلام، خطاطی به شیوه^۲ نسخ وجود داشت. در زمان حکومت ایلخانیان، اوراق مذهب کتاب‌ها نخستین بار با نقش‌های تزئینی زینت یافت. در زمان حکومت تیموریان در ایران، خط و خوشنویسی به اوج کمال خود رسید. میرعلی تبریزی با ترکیب خط نسخ و تعلیق، خط نستعلیق را بنیان نهاد. مشهورترین خطاط قرآن در این دوره بایسنقر میرزا بود.

آنچه که به عنوان شیوه‌ها یا قلم‌های خوشنویسی ایرانی شناخته می‌شود بیشتر برای نوشتن موتون غیر مذهبی نظیر دیوان اشعار، قطعات ظریف هنری و یا برای مراسلات و مکاتبات اداری ابداع شده و به کار رفته است. این در حالی است که خط نزد اعراب و ترکان عثمانی بیشتر جنبه دینی و قدسی داشته است. هرچند آنان نیز برای امور منشی‌گری و غیر مذهبی قلم‌هایی را بیشتر به کار می‌برند، اما اوج هنرنمایی آنان - بر خلاف خوشنویسان ایرانی - در خط ثلث و نسخ و کتابت قرآن و احادیث قابل رویت است.

در ایران نیز برای امور مذهبی مانند کتابت قرآن یا احادیث و روایات و همچنین کتبه‌نویسی مساجد و مدارس مذهبی بیشتر از خطوط ثلث و نسخ بهره می‌گرفتند که

نزد اعراب رواج بیشتری دارد. هرچند ایرانیان در این قلم‌ها نیز شیوه‌هایی مجزا و مختص به خود آفریده‌اند.

خط تعلیق را می‌توان نخستین خط ایرانی دانست. خط تعلیق که ترسل نیز نامیده می‌شد از اوایل قرن هفتم پا به عرصه گذاشت و حدود یکصد سال دوام داشت تعلیق از ترکیب خطوط نسخ و رقاع به وجود آمد و کسی که این خط را قانونمند کرد خواجه تاج سلمانی بود. که بعدها به وسیله خواجه عبدالحی منشی استر ابادی بدان قواعد و اصول بیشتری بخشیده شد.

پس از خط تعلیق که نخستین خط شکل گرفته ایرانی بود. در قرن هشتم میرعلی تبریزی (۸۵۰ هجری قمری) از ترکیب و ادغام دو خط نسخ و تعلیق خطی بنام نستعلیق بوجود آورد که نام آن در اثر کثرت استعمال به نستعلیق تغییر پیدا کرد. این خط بسیار مورد اقبال واقع شد و موجب تحول عظیمی در هنر خوشنویسی گردید. و بعد ها در دوران شاه عباس صفوی به دست میرعماد حسنی به اوج زیبایی و کمال رسید.

خط نستعلیق علاوه بر خوشنویسانی که در حیطه ایران کنونی می‌زیستند. در خراسان بزرگ و کشورهای آسیای میانه، افغانستان و به‌ویژه خوشنویسان دربار گورکانیان در هندوستان (که تعلق خاطر ویژه‌ای به فرهنگ ایرانی داشتند) رشد و پیشرفت قابل توجهی کرد.

بطور کلی قرنهای نهم تا یازدهم هجری را می‌توان قرن‌های درخشان در هنر خوشنویسی در ایران دانست. در اواسط قرن یازدهم سومین خط خالص ایرانی یعنی شکسته نستعلیق به دست مرتضی قلی خان شاملو حاکم هرات با تغییر دادن خط نستعلیق ابداع شد. علت پیدایش آن را می‌توان به سبب نیاز به تندنویسی و

راحت‌نویسی در امور منشی‌گری و بیش از آن ذوق و خلاقیت ایرانی دانست. همانطوری که بعد از پیدایش خط تعلیق، ایرانیان به‌خاطر سرعت در کتابت، شکسته تعلیق آن‌را نیز بوجود آوردند. درویش عبدالمجید طالقانی این خط را به کمال رساند.

در دوران قاجار خط کاربرد اصلی خود یعنی کتابت را از دست داد. از یک سو با تاکید و توسعه سیاه‌مشق‌نویسی به سمت هنر ناب رفت و از دیگر سو با پدید آمدن روزنامه‌ها و چاپ سنگی خود را به هنرهای کاربردی نزدیک شد. در دوران پهلوی روند نیازهای مدرن تجاری و تبلیغی خط را از کنج کتابخانه‌ها و مجموعه‌های خصوصی به بستر اجتماع کشاند و جریانات هنری مدرنی شیوه‌هایی چون نقاشی‌خط را به‌وجود آوردند که کماکان مورد توجه محافل هنری جهان است.

در سالهای پس از انقلاب اسلامی خوشنویسی با اقبال عمومی روبرو شد و انجمن خوشنویسان ایران که در سال ۱۳۲۹ تشکیل شده بود نقش بارزی در رشد و توسعه کمی و کیفی این هنر به عهده گرفت.

تحولات نوین خوشنویسی



نقاشی خط اثری از حسین زنده‌رودی

همواره قابلیت‌های کارکردی عاملی مهم و درجه اول، در انگیزه و شکلگیری تحولات در خوشنویسی بوده است. اگر چه زیبایی بصری نیز بدون شک مورد نظر خطاطان قرار گرفته اما به‌ویژه امروزه، صنعت چاپ و گرافیک تاثیر شگرفی بر روند توسعه و تحولات خوشنویسی داشته‌است.

خوشنویسی ایرانی با از دست رفتن مصرف اصلی آن یعنی کتابت و مواحه با نیازهای جامعه مدرن در قرن اخیر روند تازه‌ای را دنبال کرد. تحولات فرهنگی - هنری و سیاسی - اجتماعی و فناوری در ایران، در دوره‌های قاجار و پهلوی زمینه‌ساز نوآوری متفاوتی در خط شده‌اند. در دوره قاجار با ظهور و روزنامه‌ها و نشریات، مصرف اصلی خوشنویسی یعنی کتابت و تکثیر آثار مکتوب به تدریج از بین رفت. از این رو جنبه‌های خلاقه و روش‌های شخصی و شیوه‌گرایانه در خط نمود بیشتری پیدا کرد و با رواج «سیاه‌مشق»ها دوران تازه‌ای فرا رسید. پس از آن در دوره پهلوی با پدید آمدن نیازهای جدید برای جامعه همچون تجارت، تبلیغات و فناوری و همچنین

مواجهه با هنر جهانی خوشنویسی نیز می‌بایست خود را با این تحولات هماهنگ می‌کرد.

روند تحولات در خوشنویسی به شکل سنتی محدود نشد و هنرمندان خطاطی و نقاشی را با هم درآمیختند تا امکانات نوینی را تجربه کنند به این کار رفته رفته عنوان نقاشی‌خط داده شد. شاید بتوان گفت مکتب سقاخانه خاستگاه اصلی زیباشناسی و نوآوری معاصر، در خوشنویسی خط به ویژه در پیش از انقلاب اسلامی بوده است. پس از انقلاب خوشنویسی با اقبال زیادی از سوی جوانان مواجه شد آنان در عرصه‌های مختلف اعم از شیوه‌های سنتی و یا تلاش برای ایجاد خلاقیت‌های نوین با هم به رقابت پرداختند. رشد هنر گرافیک و گسترده‌گی نیازهای نوین جامعه، پدید آمدن کامپیوتر به عنوان یکی از مهمترین ابزارهای کار گرافیک و نشر رومیزی همه و همه چالش‌های جدید در پیش روی خوشنویسی معاصر هستند.

روش‌های تفنی



نمونه تحلیلی خط طغری مربوط به امضا سلطان محمود دوم پادشاه عثمانی

- خط ناخنی گونه‌ای از خوشنویسی است که در آن به جای استفاده از جوهر و قلم، با فشردن کاغذ در بین دو ناخن انگشت میانی و شست، کاغذ را تغییر شکل

می دهد و بدین ترتیب کلمات شکل می گیرند. گفتنی است این نوع خط بسیار بدیع است و گسترش چندانی ندارد.

- قطاعی که در آن خطوط را باظرافت کامل بریده و بر زمینه ای دیگر می چسبانند.
- طغری نوعی ترکیب بندی خاص از حروف است که معمولاً با خط ثلث انجام می شود و در گذشته به منظور امضا استفاده می شده است.

ابزارهای خوشنویسی



ابزار کار یک خوشنویس مبتدی

- وسایل و ابزار خوشنویسی در خلق یک اثر مطلوب بسیار موثرند. ابزار خوب مشوق هنرمند در ادامه کار و پیشرفت اوست. ابزار مهم و اصلی خوشنویسی عبارتند از:
- قلم نی نوع مرغوب آن از نی های دزفولی (برای قلم های ریز و متوسط) یا نی خیزران (برای درشت نویسی) تهیه می شود.
 - کاغذ امروزه کاغذهای گلاسه، به ویژه گلاسه مات، برای نوشتن مناسبند.

• مرکب که باید مخصوص خوشنویسی باشد. بیش از همه مرکب مشکی و پس از آن قهوه‌ای کاربرد دارد.

افزون بر آن از وسایل خوشنویسی می‌توان به ابزار زیر اشاره کرد:

دوات، ليقه، قلمتراش، قطزن، سنگ تيزكن قلمتراش، قلمدان، زیرمشق، مسطره، ابزار به هم زدن ليقه و مرکب، قاشق مخصوص آب ريختن در دوات.